

اوصاف شیعیان واقعی؛ ایمان در کلام امیر مؤمنان علی (ع) (۲۳)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح (ع)

چکیده

این بحث شرحی است بر کلام امیر مؤمنان علی (ع) در باب اوصاف شیعیان واقعی. آن حضرت می‌فرماید: «وَالْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايَةِ الْفَهْمِ وَغُورِ الْعِلْمِ وَزُهْرَةِ الْحُكْمِ وَرَسَاخَةِ الْحِلْمِ. فَمَنْ فَهِمَ عِلْمَ غُورِ الْعِلْمِ، وَمَنْ عِلِمَ غُورِ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحُكْمِ، وَمَنْ حَلِمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَعَاشَى فِي النَّاسِ حَمِيداً؛ و عدل از میان آنها چهار گونه است: دقت در درست فهمیدن، رسیدن به حقیقت دانایی، حکم نیکو، استوار داشتن بردباری؛ پس هر کس دقت کرد و درست فهمید، حقیقت دانایی را دریافت و هر کس حقیقت دانایی را یافت، از روی قواعد دین حکم نیکو صادر کرد و هر کس بردبار بود، در کار خود کوتاهی نکرد و در بین مردم خوش‌نام زندگی کرد.

براساس فرمایش امیر مؤمنان علی (ع) ایمان را چهار عامل پشتیبانی و تقویت می‌نند: صبر، یقین، عدل و جهاد. دو عامل نخست - صبر و یقین - در رفتار فردی انسان و دو عامل عدل و جهاد، در رفتار اجتماعی وی ظهور می‌یابند. عدل و جهاد به این دلیل انتخاب شده‌اند که انسان اجتماعی زندگی می‌کند و این مسئله از این رو برای او مطرح است که اولاً، خودش باید در اجتماع چگونه باشد. ثانیاً، در برابر دیگران چه وظیفه‌ای دارد و چه کارهایی باید انجام دهد؟

کلیدواژه‌ها: عدل، یقین، صبر و جهاد.

اهمیت و ضرورت عدل

عدل موقعیت و وظیفه انسان را در اجتماع در تعامل با دیگران روشن می‌کند. اگر بخواهیم وظایف اجتماعی خود را بشناسیم و به آنها عمل کنیم، به چه احتیاج داریم؟ برای پاسخ به این پرسش، اشاره به این مقدمه لازم است که اساس زندگی اجتماعی، ارتباط افراد با یکدیگر است. هریک از افراد جامعه، گرچه جامعه‌ای کوچک مانند ده و روستا، هم از دیگران اثر می‌پذیرند و هم بر آنها تأثیر می‌گذارند؛ هم از حضور دیگران سود می‌برند و هم به آنها منفعت می‌رسانند. زندگی اجتماعی از رهگذر چنین روابطی شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. در سایه روابط اجتماعی رفتارها باید به گونه‌ای باشد که حقوق اشخاص تأمین شود و کسی ستم نبیند؛ پس وظیفه هر فرد در اجتماع این است که حقوق دیگران را بشناسد و به آنها احترام بگذارد. اگر کسی بخواهد با دیگران عادلانه رفتار کند، در درجه نخست باید بداند عدل چیست و اگر بخواهد حقوق دیگران را رعایت کند، باید بداند معنای حقوق چیست و افراد جامعه چه حقوق و وظایف متقابلی دارند.

زندگی اجتماعی بدون ضابطه و قانون امکان‌پذیر نیست. تأثیر و تأثر افراد بر یکدیگر در جامعه با روابط حیوانات در جنگل بسیار متفاوت است. زندگی انسانی بدون ضابطه دوامی نخواهد داشت؛ چون عده‌ای نیرومند و قوی بر دیگران مسلط می‌شوند و از آنها بهره‌کشی می‌کنند که البته عاقلانه و عادلانه نیست. ما معتقدیم زندگی دنیا مقدمه‌ای برای سعادت ابدی است؛ بنابراین اگر قرار باشد اجتماعی انسانی براساس عدل و برای تأمین مصالح همه افراد شکل گیرد، همه باید وظیفه خود را در برابر دیگران بشناسد و بداند هرکسی در زندگی اجتماعی چه حقی دارد تا راه برای رسیدن به سعادت ابدی هموار شود.

شعبه‌های عدل

انسان در زندگی اجتماعی وظیفه‌هایی دارد که باید مسئولانه در برابر دیگران انجام دهد، چنان که حقوقی نیز دارد که دیگران باید آنها را مراعات کنند. مهم این است که بدانیم چه نظامی بر جامعه حکم‌فرماست و چگونه باید باشد که حقوق هرکس مشخص شود و همه به حق خود برسند. همان‌گونه که صبر و یقین چهار شعبه داشت، عدالت نیز چهار بُعد دارد که هریک از ابعاد آن می‌تواند در دیگری نیز تأثیر بگذارد.

فهم عمیق و نافذ؛ نخستین شرط برقراری عدالت

برای برقراری نظام عادلانه، در درجه نخست باید بدانیم چه نظامی

عادلانه است؛ به همین دلیل به قوه فهم صحیح و درخور اعتماد نیازمندیم. برخی صرفاً با نگاهی سطحی به حوادث روزگار می‌نگرند و فهم عمیق و درک درستی از آنها ندارند. گاه این بینش و نگرش ناقص یا نادرست در سطح روابط اجتماعی نیز رخ می‌نماید؛ مثلاً برخی افراد خانواده با حقوق و تکالیف متقابل یکدیگر آشنایی ندارند. پس قبل از آنکه به چیستی احکام اجتماعی و حقوق و تکالیف بپردازیم، باید فهمی درخور اعتماد از آنها کسب کنیم؛ از این رو امیرمؤمنان علیؑ گام یا شعبه نخست عدالت را «عَائِصُ الْفَهْمِ» یعنی فهم نافذ معرفی می‌کنند. «عائص» از ماده «غوص» به معنای فرورفتن در آب است. غواص کسی است که از سطح آب گذشته و در عمق آب فرو می‌رود. اگر کسی روی آب شنا کند هرچند شناگر است، غواص نامیده نمی‌شود. انسان دو گونه فهم می‌تواند داشته باشد: فهمی ساده و سطحی که فقط ظاهر حوادث را درک می‌کند، و فهمی عمیق و نافذ که با عبور از سطح و ظاهر، عمق را درمی‌یابد. براساس فرمایش امیرمؤمنان علیؑ برای اینکه بتوانیم عادلانه رفتار کنیم تا ایمانمان تقویت شود، در درجه نخست باید فهمی نافذ داشته باشیم. این فهم ابزار است و خود محتوایی ندارد؛ گاه ابزاری نافذ و قوی است و گاه ابزاری است که فقط کارآیی ظاهری دارد.

علم ژرف و عمیق؛ دومین شعبه عدالت

حال این پرسش به میان می‌آید که ابزار فهم عمیق و نافذ چه کارکردی دارد و با این ابزار کدام مروراید را می‌خواهیم از دریای معارف صید کنیم؟ پاسخ امیرمؤمنانؑ «غَوْرُ الْعِلْمِ» است؛ علم عمیق است که باید با این فهم نافذ به دست آید. عبارت غورالعلم اضافه صفت به موصوف یا مصدر به مفعول است. اگر فهم نافذ داشته باشیم، می‌توانیم به علمی عمیق و درخور اعتماد دست یابیم و مطالبی را خواهیم دانست که به‌سادگی نمی‌توان فهمید؛ مطالبی که فهم آن نیازمند دقت، تأمل بسیار و فرورفتن در دریای ژرف معارف است.

قضاوت روشن؛ سومین شعبه عدالت

علم مقوله گسترده‌ای است که طیف بسیار وسیعی از مسائل را دربرمی‌گیرد و شامل قواعدی کلی است. لازم است به کمک این قواعد کلی حکم مسائل جزئی را مشخص کنیم. هنگامی که دریافتیم رفتار مؤمنانه در اجتماع چگونه است، باید با استفاده از این علم درباره رفتارهای خود قضاوت کنیم و خوب یا بد بودن آنها را بسنجیم. وظیفه

خود را هم در برابر دیگران وقتی می‌توانیم تشخیص دهیم که درباره آنها قضاوت کنیم و بتوانیم خوب یا بدبودنشان را تشخیص دهیم. قضاوت در واقع تطبیق قواعد کلی بر امور خاص است. کار قاضی این است که اصول و قواعد کلی حقوقی را بر مصادیق جاری، و براساس آن حکم صادر کند. درک درست و فهم نافذ از قواعد انسان را در قضاوت صحیح یاری می‌کند؛ قضاوتی که در تکامل خود انسان و نیز جامعه نقش داشته باشد؛ از این رو امیرمؤمنان علیؑ «شعبه سوم عدل را «زُهرَةُ الْحُكْمِ» معرفی می‌کنند. «زهره» به معنای زیبا و درخشان است. ستاره زهره هم به دلیل زیبایی و درخشندگی‌اش به این نام شناخته می‌شود. زهرا نیز به همین معناست. اگر ما از فهم نافذ و علم عمیق بهره‌مند باشیم، قضاوتی درخور خواهیم کرد؛ قضاوتی کاملاً بجا و درست که شخص عاقل از درک آن لذت می‌برد.

لزوم بردباری در اجرای عدالت

ممکن است بعد از قضاوت درباره اعمال خود یا دیگران احساسات بر ما غالب شود؛ مثلاً بعد از اینکه کسی جنایتی کرد و ما براساس حکم عادلانه و قضاوت صحیح دریافتیم که می‌توانیم او را قصاص کنیم، ممکن است در مقام عمل احساسات بر ما غالب شود و از حد خود درگذریم. کسی که سیلی خورده است، نمی‌تواند دو سیلی بزند یا مرتکب جرمی دیگر شود. اگر نخواهیم گناهکار را ببخشیم و مصلحت در عفو نباشد، قضاوت صحیح و شرعی قصاص است؛ اما قصاص باید با خون سردی و بردباری همراه باشد. امیرمؤمنان علیؑ از این ویژگی با عنوان «رَسَاخَةُ الْجِلْمِ» تعبیر می‌کنند. اگر قصاص همراه با عصبانیت و اوج احساسات باشد، ممکن است ظلم و جنایتی دیگر رخ دهد و عدالت زیرپا گذاشته شود.

ارتباط شعبه‌های عدالت با یکدیگر

همان‌گونه که دیدیم، برای برقراری نظامی عادلانه باید مراحل طی شود که امیرمؤمنانؑ در قالب شعبه‌های عدالت بیان کرده‌اند. از این رو، چهار شعبه عدالت بر یکدیگر مترتب‌اند. براساس فرمایش امیرمؤمنانؑ: «فَمَنْ فَهَمَّ عِلْمَ عَوْرِ الْعِلْمِ»؛ اگر کسی فهم نافذ داشته باشد، دانش ژرفی درباره رفتار مؤمنانه پیدا می‌کند و این دانش موجب تقویت ایمان می‌شود. روشن است که منظور از علم در اینجا دانشی است که مربوط به ایمان و تقویت آن است.

ایشان در ادامه می‌فرمایند: «وَمَنْ عِلْمَ عَوْرِ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنِ شَرَائِعِ الْحُكْمِ». این عبارت قدری نامأنوس به نظر می‌رسد. بعضی شارحان

در توضیح این عبارت، فهم نافذ را به کار نبرده‌اند و گمان کرده‌اند که «شرائع الحکم» به معنای احکام شریعت است و بر این اساس معنای این قسمت از روایت آن است که اگر کسی علمی عمیق و ژرف داشته باشد، احکام شریعت را به خوبی درمی‌یابد. این معنا به خودی خود اشتباه نیست؛ اما با این برداشت، عبارت «صَدَرَ عَنِ شَرَائِعِ الْحُكْمِ» معنای روشنی نمی‌یابد. توضیح آنکه «صَدَرَ» در مقابل «وَرَدَ» به کار می‌رود. در قدیم مردم از آب نهر استفاده می‌کردند. آب نهر ورودی‌هایی به نام شریعه داشت. شرائع جمع شریعه و به معنای آبراه‌ها و آبشخورهای نهر آب است. اگر کسی بر سر نهر برود می‌گویند: «وَرَدَ الشَّرِيعَةَ» (وارد شریعه شد)، و هنگامی که کسی از آب استفاده کند و بیرون آید، می‌گویند: «صَدَرَ عَنِ الشَّرِيعَةِ» (از شریعه بیرون آمد). با این توضیح، وقتی امیرمؤمنان علیؑ می‌فرمایند: «وَمَنْ عِلْمَ عَوْرِ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنِ شَرَائِعِ الْحُكْمِ» به این معنا خواهد بود که اگر کسی علم عمیق پیدا کند، از شریعه‌های حکم، خارج می‌شود. این عبارت نشان می‌دهد این شخص وارد شریعه‌هایی شده که هم خودش آب بخورد و هم برای دیگران آب بردارد و حال با دستی پر خارج شده است.

این بخش از روایت راه‌های شناخت احکام، قضاوت‌ها، قوانین، حقوق و ضوابط رفتاری در امور اجتماعی را به شرائع تشبیه کرده است. گویا نظام حقوقی مؤمنانه مانند شطی است که اطراف آن راه‌هایی برای ورود دارد. کسانی که از راه صحیح وارد شوند، می‌توانند از آب استفاده کنند؛ از آن بنوشند؛ و برای دیگران هم بیاورند؛ ولی اگر کسی از راه صحیح وارد نشود؛ یعنی فهم نافذ، دقت کافی و ژرف‌نگری نداشته باشد، یا تشنه برمی‌گردد یا گمان می‌کند آبی صاف و زلال از نهر برداشته است؛ درحالی که آب گل‌آلود است و آشامیدنی نیست؛ بنابراین فرد نخست باید با فهم نافذ و دقت وظیفه‌اش را در قبال افراد جامعه تشخیص دهد و در مرحله بعد با بردباری و حلم قضاوت صحیح را به درستی اجرا کند.

تا اینجا سه رکن تقویت ایمان را بیان کردیم که رکن سوم نوع رفتار انسان را در برابر دیگر افراد جامعه روشن می‌کند و به او کمک می‌کند که وظیفه‌اش را بشناسد و به درستی عمل کند. برای دستیابی به این هدف والا، عدل در چهار شعبه تبیین شده است: فهم نافذ، علم عمیق، قضاوت درخشان و بردباری و کنترل رفتار تا مؤمن از رفتار عادلانه تجاوز نکند. از ارکان و پایه‌های ایمان یک رکن دیگر باقی می‌ماند که به وظیفه ما در برابر دیگران مربوط است، و در گفتار بعد به این موضوع خواهیم پرداخت.